

پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی،
تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی
**Prediction of sexual satisfaction and marital adjustment levels
according to job variables, commitment, intimacy, and sexual
knowledge and attitude**

Mohammad Ali Besharat
University of Tehran
Bahar Rafiezadeh
Clinical Psychology

محمدعلی بشارت*
دانشگاه تهران
بهار رفیع زاده
روانشناسی بالینی

چکیده: رضایت جنسی و سازگاری زناشویی از ابعاد مهم زندگی زناشویی هستند که به شدت کیفیت و پایداری رابطه زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهند. مطالعات نشان داده‌اند که عوامل متعددی از جمله عوامل روانی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و ویژگی‌های جمعیت شناختی بر رضایت جنسی و سازگاری زناشویی تاثیرگذار هستند. هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی بود. تعداد ۱۰۰ نفر از کارمندان شرکت نفت (۵۰ کارمند اقماری، ۵۰ کارمند غیر اقماری) در این پژوهش شرکت کردند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد پرسشنامه وضعیت جنسی گلوبوک-راست (GRISS)، پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS)، جدول مربوط به اطلاعات شغلی، مقیاس تعهد زناشویی (DCI)، مقیاس صمیمیت (IS) و مقیاس دانش و نگرش جنسی (SKAS) را تکمیل کنند. نتایج پژوهش نشان داد که بین رضایت جنسی و سازگاری زناشویی با متغیرهای شغلی رابطه معنادار وجود ندارد اما تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت داشتند. همچنین رضایت جنسی توسط صمیمیت و دانش و نگرش جنسی قابل پیش‌بینی بود. تعهد و صمیمیت نیز توان پیش‌بینی سازگاری زناشویی را داشتند. نتایج همچنین نشان داد صمیمیت بیشترین سهم را در پیش‌بینی رضایت جنسی و تعهد بیشترین سهم را در پیش‌بینی سازگاری زناشویی ایفا می‌کند. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای شغلی تاثیر بر رضایت جنسی و سازگاری زناشویی ندارند اما تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی رضایت جنسی و سازگاری زناشویی ایفا می‌کنند.
واژه‌های کلیدی: دانش جنسی، نگرش جنسی، رضایت جنسی، سازگاری زناشویی

Abstract: Sexual satisfaction and marital adjustment are the important aspects of married life that strictly affect the quality and stability of the relationship between couples. Studies have shown that several factors including psychological, social, economic, personal and demographic characteristics affect the sexual satisfaction and marital adjustment. The aim of the present study was to predict the levels of sexual satisfaction and marital adjustment based on job variables, commitment, intimacy and sexual knowledge and attitude. For this purpose, 100 employees of the Oil Company (50 expatriate, 50 non-employees) were selected as sample group using a convenience sampling method. Participants completed The Golombok-Rust Inventory of Sexual State Questionnaire (GRISS), The Golombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS), Table of job information, Dimensions of Commitment Inventory (DCI), Intimacy Scale (IS), and the Sexual Knowledge and Attitude Scale (SKAS). The results showed that no significant correlation existed between sexual satisfaction and marital adjustment with job variables, while the commitment, intimacy and sexual knowledge and attitude had a positive relationship with sexual satisfaction and marital adjustment. Also, sexual satisfaction could be predicted by intimacy and sexual knowledge and attitude. Marital adjustment was also predicted by the commitment and intimacy. The results also showed that among the variables, intimacy had the largest share in prediction of sexual satisfaction and commitment had the largest share in prediction of marital adjustment. Based on these findings, it can be concluded that job variables do not affect sexual satisfaction and marital adjustment, while the commitment, intimacy and sexual knowledge and attitude play a determining role in prediction of sexual satisfaction and marital adjustment.

Keywords: sexual knowledge, sexual attitude, sexual satisfaction, marital adjustment

مقدمه

چونگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ عوامل اقتصادی و اجتماعی مانند سطح درآمد و ساعات کار؛ عوامل جمعیت شناختی^{۱۴} مانند سن، جنس، سطح تحصیلات، عقاید دینی (چونگ و همکاران، ۲۰۰۸)؛ عوامل خانوادگی مانند طول مدت ازدواج (لیو، ۲۰۰۳) و سبک‌های فرزند پروری (بشارت، دهقانی و تولاییان، ۱۳۹۳؛ بشارت، هوشمند، رضازاده و لواسانی، ۱۳۹۴)؛ تعداد فرزندان (اوفالون، تسوی و آدویی، ۲۰۰۳)؛ دانش جنسی^{۱۵} و نگرش جنسی^{۱۶} (بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲)؛ نورانی پور، بشارت و یوسفی، ۱۳۸۶) و جنبه‌های جسمی رابطه جنسی مانند فراوانی برقراری رابطه جنسی و تجربه ارگاسم (چونگ و همکاران، ۲۰۰۸).

سازگاری در زندگی زناشویی یک فرآیند مستمر و در حال تغییر است (منیام و جونپور، ۲۰۱۴). سازگاری زناشویی^{۱۷} به معنای نداشتن مشکل در زندگی نیست بلکه به معنای ظرفیت سازگار شدن با مشکلات و توانایی حل آنهاست (ماداتیل و بنسپوف، ۲۰۰۸). سازگاری زناشویی یک فرآیند فعال است که بر اساس آن زوجین با گذشت زمان و پیدا کردن نقش‌های جدید در خانواده، وظایف مختلف خود را درک می‌کنند و آن را می‌پذیرند (امبرسون، ویلیامز، پاورز و کمپبل، ۲۰۰۵). مطابق با مدل شکوفایی بین‌شخصی^{۱۸} ریف و سینگر (۲۰۰۰)، سازگاری در یک رابطه یکی از همبسته‌های مهم رضایت از زندگی به حساب می‌آید. تحقیقات همچنین نشان می‌دهند که سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی طی سالیانی که از ازدواج افراد می‌گذرد همچنان همبسته باهم باقی می‌مانند. از طرف دیگر سازگاری زناشویی هر یک از زوجین می‌تواند سبب افزایش رضایت از زندگی دیگری شود (به، ویسمن و یوبلاکر، ۲۰۱۳). هدی، وینهوون و ویرینگ (۱۹۹۱) نشان دادند که بین سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی علیت دوسویه وجود دارد. حتی زمانی که مطالعات از نظر جنس، سن، عوامل اقتصادی و اجتماعی، برون‌گرایی^{۱۹} و نورزگرایی^{۲۰} افراد کنترل می‌شود،

رضایت جنسی^۱ یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر کیفیت و پایداری رابطه زوجین اثر می‌گذارد (اسپرچر و کیت، ۲۰۰۴). یک ازدواج موفق در اغلب موارد با رضایت طرفین از رابطه جنسی همراه است (چونگ، ونگ، لیو، بیپ، فن و همکاران، ۲۰۰۸). رضایت جنسی عبارت است از پاسخ عاطفی هیجانی برخاسته از ارزیابی‌های ذهنی مثبت و منفی فرد از رابطه جنسی‌اش با فرد دیگر (لارنس و بایر، ۱۹۹۵). مطالعات نشان داده‌اند که رضایت جنسی باعث افزایش حرمت خود^۲، رضایت از زندگی^۳، قابلیت عشق‌ورزی^۴، رضایت از رابطه^۵ و رضایت عاطفی و احساس شادی در زندگی می‌شود (بوتزر و کمپل، ۲۰۰۸). رابطه بین ناراضی جنسی و مشکلات سازگاری^۶ و زناشویی نشان می‌دهد که رضایت زوجین از رابطه جنسی‌شان یکی از مهم‌ترین ابعاد رضایت زناشویی^۷ به حساب می‌آید (بوتزر و کمپل، ۲۰۰۸؛ ترودل، ۲۰۰۲؛ لیتزینگر و گوردون، ۲۰۰۵). رابطه جنسی به طرق مختلف رضایت زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ارتباط جنسی نیازهای زیستی و اجتماعی انسان را ارضا می‌کند و در نتیجه کیفیت زندگی^۸ را افزایش می‌دهد. تجربه رضایت جنسی، صمیمیت^۹ را در رابطه افزایش و تنش‌های رابطه را کاهش می‌دهد (گاتمن و سیلور^{۱۰}، ۱۹۹۹؛ به نقل از لیو و رولوف، ۲۰۱۵). عوامل مختلفی بر میزان رضایت جنسی تاثیر می‌گذارند. عوامل روانی مانند میزان صمیمیت و تعهد^{۱۱} زوجین (بشارت، ۱۳۹۱؛ بشارت، نقشینه، گنجی و تولاییان، ۲۰۱۴؛ بیر و دمونس^{۱۲}، ۱۹۹۹؛ به نقل از چونگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ یانگ، دنی، لوکوس و یانگ^{۱۳}، ۱۹۹۸؛ به نقل از

1. sexual satisfaction
2. self-esteem
3. life satisfaction
4. lovability
5. relationship satisfaction
6. adjustment
7. marital satisfaction
8. quality of life
9. intimacy
10. Gottman, J. M., & Silver, N.
11. commitment
12. Byers, E. S., & Demmons, S.
13. Young, M., Denny, G., Luquis, R., & Young, T.

14. demographic factors
15. sexual knowledge
16. sexual attitude
17. marital adjustment
18. interpersonal flourishing
19. extraversion
20. neuroticism

ارزش قایل‌اند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند (آماتو، ۲۰۰۴). بنابراین، تعهد را عامل اصلی در حفظ رابطه زناشویی می‌دانند (آریاگا و آگنو، ۲۰۰۱). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت‌های حل مساله^۶ مناسب‌تر و رضایت زناشویی رابطه دارد (تیلگمن - اوسبورن و کول، ۲۰۰۸؛ مسترز، ۲۰۰۸). همبستگی بین تعهد با سازگاری و رضایت زناشویی بسیار بالاست و این همبستگی در مردان بالاتر است (موسکو، ۲۰۰۹). محققان معتقدند که تعهد، ثبات زناشویی را افزایش می‌دهد. به اعتقاد آنان رابطه‌های با تعهد بالاتر، انعطاف‌پذیرترند و زوجین آرامش و امنیت روانی بیشتری دارند (مسترز، ۲۰۰۸؛ موسکو، ۲۰۰۹).

عامل دیگری که در رابطه با پیش‌بینی سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی زوجین اهمیت دارد، میزان صمیمیت بین آنهاست. صمیمیت را می‌توان به صورت ترکیبی از دوست داشتن و عاطفه^۷، آشکارسازی و ابراز کردن^۸، سازگاری، یکپارچگی^۹، ارتباط جنسی، حل کردن تعارضات، خود پیروی^{۱۰} و همانندی^{۱۱} تعریف کرد (شافر و السون^{۱۲}، ۱۹۸۱؛ به نقل از استولهرفر، فریایرا و لندریپت، ۲۰۱۴). مطالعات و تجربیات بالینی نشان داده‌اند که روابط صمیمی یکی از نیازهای اساسی انسان است و ارضا نشدن آن موجب افزایش تعارضات و کاهش صمیمیت در روابط زناشویی و بروز مشکلات عاطفی و روانی می‌گردد. برخورداری از صمیمیت در بین زوج‌های متاهل، از عوامل مهم ایجاد ازدواج پایدار است (کرافورد و رودا، ۲۰۰۴). فرآیندهای فردی و دونفره متعددی به طور مثبت با صمیمیت همبسته هستند که از آن جمله می‌توان به سازگاری، بهزیستی روانی^{۱۳}، سلامت روانی^{۱۴}، کیفیت رابطه، رضایت زناشویی، اعتماد^{۱۵} و رضایت جنسی اشاره کرد (فراست، ۲۰۱۲).

باز هم می‌توان اثرات تعاملی این دو را بر یکدیگر مشاهده کرد (به و همکاران، ۲۰۱۳). سازگاری زناشویی یک زوج در هر زمان نتیجه تعامل متغیرهای متعدد و شرایطی است که رابطه آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد (باچراچ، هیندین و تامسون، ۲۰۰۰؛ مایرز، ماداتیل و تینگل، ۲۰۰۵؛ همامسی، ۲۰۰۵). تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که عواملی مانند عوامل روانی، اجتماعی، فردی و ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد بر میزان سازگاری زناشویی آنها تاثیر می‌گذارد (اولسون، ۲۰۱۱؛ بشارت، ۱۳۹۱؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۴؛ ویرجینیا، جیمز و دیوید، ۲۰۰۰).

از عوامل مهم در پیش‌بینی سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی عوامل اقتصادی و اجتماعی مانند سطح درآمد و ساعات کاری (پرون و ورتینگتون، ۲۰۰۱) هستند که در پژوهش حاضر این عوامل تحت عنوان متغیرهای شغلی^۱ و در سه زیرمجموعه میزان درآمد ماهانه، نوبت کاری و غیبت مرد مورد بررسی قرار می‌گیرند. منظور از نوبت کاری، ساعات کاری کارمندان در شبانه‌روز است که در پژوهش حاضر به دو شکل صبح کار و متناوب مطرح می‌شود. در حالت متناوب کارمند یک هفته روزکار و یک هفته شب‌کار است. غیبت مرد نیز به این معناست که کارمند در روزهای کاری خود مجبور به اقامت در شهر دیگری بوده و قادر به حضور در جمع خانواده خود نیست. بر این اساس دو گروه کارمند وجود دارد: کارمندان اقماری^۲ که در یک ماه ۱۵ روز در مناطق نفتی مشغول به کارند و ۱۵ روز استراحت دارند و نزد خانواده خود برمی‌گردند و کارمندان غیر اقماری^۳ که در هر ماه از شنبه تا چهارشنبه در محل کار خود حاضر هستند و پنج‌شنبه و جمعه‌ها استراحت دارند.

از دیگر عوامل مهم در پیش‌بینی سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی می‌توان به تعهد اشاره کرد. تعهد زناشویی^۴ به صورت احتمال ازدواج یک فرد و باقی ماندن او در آن ازدواج تعریف می‌شود (سورا و هاگس^۵، ۱۹۹۷؛ به نقل از بیرد، ۲۰۰۹). محققان معتقدند که تعهد زناشویی به این معناست که زوجین تا چه حد برای رابطه زناشویی خود

6. problem solving skills

7. affection

8. expressiveness

9. cohesion

10. autonomy

11. identity

12. Schaefer, M. T., & Olson, D. H.

13. psychological well-being

14. mental health

15. confidence

1. job variables

2. expatriate

3. non-employee

4. marital commitment

5. Surra, C. A., & Hughes, D. K.

صمیمیت و دانش و نگرش جنسی می‌توانند رضایت جنسی و سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند؟ پرسش دوم) کدام یک از متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت، دانش و نگرش جنسی قدرت بیشتری در پیش‌بینی رضایت جنسی و سازگاری زناشویی دارند؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی به شمار می‌رود که در آن رابطه بین متغیرها برحسب اهداف پژوهش تحلیل می‌شود. برای پژوهش حاضر دو جامعه آماری قابل تعریف است: ۱) کارمندان اقماری شرکت نفت در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴؛ ۲) کارمندان پژوهشگاه صنعت نفت در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴. از آنجایی که در پژوهش‌های از نوع همبستگی، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه، ضرورت دارد (دلاور، ۱۳۹۱)، سعی بر این شد که از هر جامعه حداقل ۵۰ نفر در پژوهش شرکت داده شوند. نمونه‌گیری به صورت دردسترس بود. در ابتدا نماینده پژوهشگر به جزیره لاوان و منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی (عسلویه) اعزام شد و در ادامه داوطلبان به تکمیل پرسشنامه وضعیت جنسی گلوبک - راست^۱ (GRISS؛ گلوبک و راست، ۱۹۸۶)، پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک-راست^۲ (GRIMS؛ راست، بنان، کرو و گلوبک، ۱۹۸۶)، مقیاس تعهد زناشویی^۳ (DCI؛ آدامز و جونز، ۱۹۹۷)، مقیاس صمیمیت^۴ (IS؛ واکر و تامپسون، ۱۹۸۳) و مقیاس دانش و نگرش جنسی^۵ (SKAS؛ بشارت، ۱۳۸۴؛ بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲) پرداختند. معیارهای شرکت در پژوهش عبارت بودند از: متاهل بودن، حداقل یک سال سابقه کار، نداشتن بیماری پزشکی و روان‌پزشکی جدی مستلزم مصرف دارو، نداشتن سوءمصرف و وابستگی به مواد، نداشتن سابقه طلاق و تمایل فرد برای شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌ها. در تحلیل آماری داده‌ها، شاخص‌ها و روش‌های

عوامل جمعیت شناختی مانند سن، جنس، سطح تحصیلات، عقاید دینی و دانش و نگرش جنسی از دیگر عواملی هستند که در پیش‌بینی سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی زوجین ایفای نقش می‌کنند (بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲؛ چونگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ نورانی پور و همکاران، ۱۳۸۶). دانش جنسی عبارت است از آگاهی و فهم راجع به موضوعات و مسایل جنسی که معمولاً از راه تجربه یا یادگیری به دست می‌آید. نگرش جنسی نیز ارزشها و اعتقادات فرد راجع به رابطه جنسی است که در رفتار جنسی او بروز پیدا می‌کند. این نگرشها مبتنی بر دیدگاه‌های خانوادگی و فرهنگی در خصوص جنسیت، آموزش جنسی اعم از رسمی و غیررسمی و تجربیات جنسی قبلی است (وندنباس، ۲۰۰۷). تحقیقات نشان داده‌اند که کمبود دانش جنسی یکی از اصلی‌ترین دلایل افزایش ابتلا به بیماری ایدز، بیماری‌های مقاربتی، بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین و عدم رضایت در زندگی زناشویی است (مستون و آهرولد، ۲۰۱۰). مطالعات هیگینز و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان می‌دهد که بین نگرش جنسی و رضایت جنسی همبستگی مثبت وجود دارد. افرادی که نگرش مثبت نسبت به مسایل جنسی دارند، رابطه جنسی را بدون احساس گناه تجربه می‌کنند و در نتیجه رضایت بیشتری را نیز از آن دریافت می‌کنند.

هدف اصلی پژوهش حاضر پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی بود. با توجه به هدف پژوهش و ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود، فرضیه‌ها و سوال‌های پژوهش به این شرح آزمون شدند: ۱) میزان غیبت مرد (اقماری و غیر اقماری) به علت شغل با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه منفی دارد، ۲) نوبت‌کاری مرد (روزکار و متناوب) با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه منفی دارد، ۳) میزان درآمد با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت دارد، ۴) میزان تعهد زناشویی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت دارد، ۵) میزان صمیمیت زناشویی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت دارد، ۶) دانش و نگرش جنسی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت دارد. پرسش اول) آیا متغیرهای شغلی، تعهد،

1. Golombok-Rust Inventory of Sexual State Questionnaire (GRISS)
2. Golombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS)
3. Dimensions of Commitment Inventory (DCI)
4. Intimacy Scale (IS)
5. Sexual Knowledge and Attitude Scale (SKAS)

قرار گرفتند (بشارت، ۱۳۸۱)، ضریب آلفای کرونباخ^{۱۰} نمره کل مقیاس برای زن‌ها ۰/۸۴ و برای مردها ۰/۷۹ بود که نشانه همسانی درونی^{۱۱} بالای پرسشنامه است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله یک هفته $r = 0.73$ نشانه پایایی بازآزمایی^{۱۲} خوب پرسشنامه است. در پژوهش دوم که در مورد ۴۵ زوج نابارور انجام شد (بشارت، حسین‌زاده بازرگانی و میرزمانی، ۱۳۸۲)، ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از زیرمقیاس‌ها برای آزمودنی‌های زن به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۷، ۰/۹۴، ۰/۸۹، ۰/۹۱، ۰/۹۳، ۰/۸۹ و برای آزمودنی‌های مرد به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۹، ۰/۹۴، ۰/۸۷، ۰/۹۲ و ۰/۹۰ بود که همسانی درونی پرسشنامه را تایید می‌کنند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله سه هفته برای آزمودنی‌های زن $r = 0.75$ و برای آزمودنی‌های مرد $r = 0.72$ بود که نشانه پایایی بازآزمایی خوب مقیاس است.

پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک - راست

(GRIMS). پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک - راست (راست و همکاران، ۱۹۸۶) یک مقیاس ۲۸ سوالی است. پرسش‌ها در مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق = ۰، کاملاً مخالف = ۳)، مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجین را از نمره صفر تا سه در زمینه میزان حساسیت^{۱۳} و توجه زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد، وفاداری^{۱۴}، مشارکت^{۱۵}، همدردی^{۱۶}، اعتماد، صمیمیت و همدلی زوجین می‌سنجد. حداقل نمره آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ۸۴ است. نمره تراز شده آزمودنی‌ها در ۹ درجه برحسب شدت و ضعف مشکلات زناشویی محاسبه می‌شود. در فرم فارسی این پرسشنامه نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای نمونه‌ای از زن‌ها و ۰/۹۴ برای شوهرها محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بشارت، ۱۳۸۰). ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها

تحلیل توصیفی و استنباطی به شرح زیر استفاده شد: تحلیل توصیفی اطلاعات دموگرافیک و نمرات آزمودنی‌ها در پرسشنامه‌ها شامل حداقل نمره، حداکثر نمره، درصد، فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد. استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرها و رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیرهای ملاک بر اساس متغیرهای پیش‌بین پژوهش. میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۸/۵۰ سال با انحراف استاندارد ۹/۷۰ و دامنه ۲۳ تا ۵۸ سال بود. میانگین طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان ۱۲/۷۰ سال بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه وضعیت جنسی گلوبوک - راست (GRISS). پرسشنامه وضعیت جنسی گلوبوک - راست (گلوبوک و راست، ۱۹۸۶) یک آزمون ۲۸ سوالی است. پرسش‌ها در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، نوع و شدت مشکلات جنسی را در هفت زمینه و دو فرم جداگانه برای زنان و مردان از نمره صفر تا نمره چهار می‌سنجد. حداقل نمره آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ۱۱۲ است. زیرمقیاس‌های پرسشنامه زنان شامل ندرت^۱ (نافراوانی)، فقدان ارتباط^۲، ناکامروایی^۳، اجتناب‌گری^۴، ناشهوت‌انگیزی^۵، انقباض مهبل^۶ و بی‌ارگاسمی^۷؛ و زیرمقیاس‌های پرسشنامه مردان شامل ناتوانی جنسی^۸، زودانزالی^۹، ناشهوت‌انگیزی، اجتناب‌گری، ناکامروایی، ندرت و فقدان ارتباط است. علاوه بر نمره‌های تراز شده زیرمقیاس‌ها، نمره کل تراز شده هر آزمودنی شدت و ضعف مشکلات جنسی وی را در یک پیوستار ۹ درجه‌ای از نمره ۱، کمترین حد مشکل جنسی تا نمره ۹، بیشترین حد مشکل جنسی نشان می‌دهد. فرم فارسی این پرسشنامه در دو پژوهش اجرا شده است. در پژوهش اول که یک نمونه ۴۵ نفری از زنان و یک نمونه ۵۸ نفری از مردان مراجعه‌کننده برای سکس‌درمانی مورد مطالعه

1. infrequency
2. non-communication
3. dissatisfaction
4. avoidance
5. non-sensuality
6. vaginismus
7. anorgasmia
8. impotence
9. premature ejaculation

10. Cronbach,s alpha
11. internal consistency
12. test-retest reliability
13. sensitivity
14. loyalty
15. cooperation
16. sympathy

کرده‌اند. همچنین در مطالعه دیگری که با نسخه فارسی این مقیاس انجام شده است، آلفای کرونباخ $0/96$ به دست آمده است (حیدری، احتشام زاده و وزیر نی، ۲۰۱۱).

مقیاس دانش و نگرش جنسی (SKAS). مقیاس

دانش و نگرش جنسی (بشارت، ۱۳۸۴؛ بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲) یک آزمون ۳۰ سوالی است و دو بعد دانش و نگرش جنسی را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیرمقیاس‌های دانش و نگرش جنسی به ترتیب ۱۵ و ۷۵ است. در این مقیاس علاوه بر دو نمره مربوط به دانش و نگرش جنسی، یک نمره کل با حداقل ۳۰ و حداکثر ۱۵۰ برای هر آزمودنی محاسبه می‌شود. مقیاس دانش و نگرش جنسی در نمونه‌ای متشکل از شصت‌وسه دانشجوی متاهل از دانشگاه‌های تهران و علم و صنعت ایران (۳۷ زن، ۲۶ مرد) اجرا شد. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های دانش و نگرش جنسی برای نمره آزمودنی‌ها به ترتیب $0/91$ و $0/88$ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۴۲ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای دانش و نگرش جنسی به ترتیب $0/89$ و $0/87$ است و برای نمره کل مقیاس $0/88$ است. $\alpha = 0/01$ در سطح $p < 0/001$ معنادار بودند که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. روایی همزمان^۱، همگرا^۲ و تشخیصی (افتراقی)^۳ مقیاس دانش و نگرش جنسی از طریق اجرای همزمان پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (راست و همکاران، ۱۹۸۶)، مقیاس رابطه رمانتیک^۴ (RRS؛ برشید، آتریچ و اسپرچر، ۱۹۹۸) و مقیاس سلامت روانی^۵ (MHI-28؛ بشارت، ۱۳۸۸) در مورد آزمودنی‌ها محاسبه شد و مورد تایید قرار گرفت (بشارت، ۱۳۸۴). در پژوهشی دیگر (بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲)، روایی همگرا و تشخیصی (افتراقی) مقیاس دانش و نگرش جنسی از طریق اجرای همزمان پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (راست و همکاران، ۱۹۸۶)، مقیاس رابطه رمانتیک

در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها $\alpha = 0/77$ و آزمودنی‌های زن $\alpha = 0/73$ و آزمودنی‌های مرد $\alpha = 0/75$ نشانه پایایی بازآزمایی خوب پرسشنامه است (بشارت، ۱۳۸۰).

مقیاس تعهد زناشویی (DCI). مقیاس تعهد زناشویی

(آدامز و جونز، ۱۹۹۷) ۴۴ سوال دارد و سه زیرمقیاس تحت عنوان تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و احساس تعهد (تعهد اجباری) دارد. نمره‌گذاری پرسشنامه تعهد زناشویی در اندازه‌های ۵ درجه‌ای انجام می‌گیرد که امتیاز هر یک به ترتیب زیر است: کاملاً مخالف: ۱، مخالف: ۲، نه مخالف نه موافق: ۳، موافق: ۴، کاملاً موافق: ۵ و دامنه نمرات از ۴۴ تا ۲۲۰ است. در پژوهش آدامز و جونز (۱۹۹۷) همسانی درونی مقیاس از طریق روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر $0/89$ به دست آمده است. در تحقیق دیگری همسانی درونی برای زیرمقیاس تعهد به همسر، $0/91$ به دست آمده است و همچنین میانگین همبستگی بین موارد این زیرمقیاس $0/40$ گزارش شده است. برای زیرمقیاس تعهد به ازدواج نیز این مقادیر به ترتیب $0/89$ و $0/34$ گزارش شده است (هوی، لیندزی و الیوت، ۲۰۰۷). خانجانی و شکی، بطلانی، شاه سیاه و شریفی (۲۰۱۲) پایایی این پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ برابر $0/77$ گزارش کرده‌اند.

مقیاس صمیمیت (IS). مقیاس صمیمیت (واکر و

تامپسون، ۱۹۸۳) یک ابزار ۱۷ سوالی است که برای سنجیدن مهر و صمیمیت تدوین شده است. صمیمیت، توجه و اهمیت اعضای خانواده برای یکدیگر تعریف شده و عوامل نزدیکی عاطفی در قالب مهر، از خودگذشتگی، خرسندی و رضایت را شامل می‌شود. نمره آزمودنی‌ها در این مقیاس از طریق جمع نمرات سوالات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود. دامنه نمرات بین ۱ تا ۷ است که نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است. این مقیاس با ضریب آلفای $0/91$ تا $0/97$ از همسانی درونی بسیار عالی برخوردار است (واکر و تامپسون، ۱۹۸۳). در مطالعه دیگری که روی ۶۴۱ شرکت‌کننده انجام شده است، آلفای کرونباخ این مقیاس $0/963$ گزارش شده است (هنینگ، ۲۰۰۵). بوت، وود و پرات (۲۰۰۹) از این مقیاس به‌صورت آنلاین و آفلاین استفاده کرده‌اند و آلفای کرونباخ را به ترتیب $0/98$ و $0/95$ گزارش

1. concurrent
2. convergent
3. discriminant
4. Romantic Relationship Scale (RRS)
5. Mental Health Inventory (MHI)

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی^۳ نیز با تعیین دو عامل (دانش جنسی و نگرش جنسی)، روایی سازه مقیاس دانش و نگرش جنسی را تایید کرد (بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲).

یافته‌ها

جدول ۱، وضعیت شغلی کارمندان را نشان می‌دهد. نیمی از کارمندان اقماری و ۵۰ درصد دیگر غیراقماری هستند. بعلاوه از لحاظ نوبت کاری، ۷۰ درصد از کارمندان روزکار و ۳۰ درصد متناوب هستند.

(RRS؛ برشید و همکاران، ۱۹۹۸) و مقیاس سلامت روانی (بشارت، ۱۳۸۸) در مورد یک نمونه هشتصد و سی‌وهفت نفری از جمعیت عمومی (۳۸۶ مرد، ۴۵۱ زن) نیز محاسبه شد و مورد تایید قرار گرفت. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره زیرمقیاس‌های دانش و نگرش جنسی با شاخص‌های وابستگی رمانتیک و بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبت معنادار و با شاخص‌های مشکلات زناشویی، نایمینی رمانتیک^۱ و درماندگی روان‌شناختی^۲ همبستگی منفی معنادار وجود دارد. این نتایج، روایی همگرا و تشخیصی مقیاس دانش و نگرش جنسی را برای مردان و زنان تایید می‌کنند.

جدول ۱

توزیع فراوانی - درصدی ویژگی‌های شغلی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تراکمی
نوع اشتغال	۵۰	۵۰	۵۰
اقماری	۵۰	۵۰	۵۰
غیر اقماری	۷۰	۷۰	۷۰
نوبت کاری	۳۰	۳۰	۳۰
متناوب			

تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی نشان می‌دهد.

جدول ۲ مشخصه‌های آماری آزمودنی‌ها را برحسب نمره‌های رضایت جنسی، سازگاری زناشویی، میزان درآمد،

جدول ۲

میانگین و انحراف استاندارد نمره آزمودنی‌ها برحسب نمره رضایت جنسی، سازگاری زناشویی، میزان درآمد، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی

متغیر	M	SD
رضایت جنسی	۲۸/۵۱	۱۲/۶۵
سازگاری زناشویی	۳۰/۲۶	۱۵/۴۰۹
میزان درآمد	۴/۵۹	۲/۹۴۹
تعهد	۱۵۳/۰۸	۲۴/۸۲
صمیمیت	۵/۴۸	۱/۳۶۶
دانش و نگرش جنسی	۱۲۰/۴۸	۱۴/۳۲

توجه: میزان درآمد برحسب میلیون تومان با حذف صفر محاسبه شده است.

1. romantic insecurity
2. psychological distress
3. exploratory factor analysis

از آنجاکه مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای غیبت مرد به علت شغل (اقماری- غیر اقماری) و نوبت کاری (روزکار- متناوب) مقوله‌ای است، به‌منظور بررسی رابطه بین آنها با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی از آزمون همخوانی خی دو استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳

نتایج آزمون خی دو جهت بررسی الگوی رابطه بین میزان غیبت مرد به علت شغل (اقماری- غیر اقماری) و نوبت کاری با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی

متغیر	رضایت جنسی	سازگاری زناشویی
میزان غیبت مرد به علت شغل	ضریب همخوانی خی دو	۴۹/۲۰
	V کرامر	۰/۷۰
	سطح معناداری	۰/۵۰
	تعداد	۱۰۰
نوبت کاری	ضریب همخوانی خی دو	۴۲/۶۹
	V کرامر	۰/۶۵
	سطح معناداری	۰/۷۵
	تعداد	۱۰۰

صمیمیت و دانش و نگرش جنسی نیز با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت معنادار دارد. در نتیجه فرضیه‌های چهارم و پنجم و ششم پژوهش تایید می‌شوند؛ اما میزان درآمد با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه معنادار نداشت، در نتیجه فرضیه سوم تایید نمی‌شود.

به‌منظور بررسی رابطه رضایت جنسی و سازگاری زناشویی با میزان درآمد، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج همبستگی‌ها در جدول ۴ گزارش شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد بین تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی با رضایت جنسی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. تعهد،

جدول ۴

ماتریس همبستگی بین مولفه‌های رضایت جنسی و سازگاری زناشویی با میزان درآمد ماهانه، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱- سازگاری زناشویی	۱									
۲- رضایت جنسی	**۰/۷۹۳	۱								
۳- صمیمت زناشویی	**۰/۸۳۰	**۰/۷۵۶	۱							
۴- تعهد زناشویی	**۰/۹۲۴	**۰/۷۶۹	**۰/۸۵۸	۱						
۵- دانش و نگرش جنسی	**۰/۶۷۱	**۰/۶۶۶	**۰/۵۹۱	**۰/۶۲۷	**۰/۶۶۳	**۰/۶۰۶	**۰/۵۳۰	۱		
۶- میزان درآمد	۰/۰۶۴	۰/۱۶۶	۰/۰۹۳	۰/۰۲۱	۰/۰۰۹	۰/۰۶۶	۰/۰۰۷	۰/۰۳۱	۰/۱۶۶	۰/۰۹۹

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

بیشتری در پیش‌بینی رضایت جنسی و سازگاری زناشویی دارند؟ با توجه به جدول ۵، از بین متغیرهای وارد شده به تحلیل در رگرسیون رضایت جنسی از روی متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی، متغیر صمیمیت زناشویی با بتای $0/61$ ، بیشترین و دانش و نگرش جنسی با بتای $0/31$ کمترین سهم را در پیش‌بینی رضایت جنسی دارند. متغیرهای شغلی و تعهد زناشویی به دلیل عدم قدرت پیش‌بینی از مدل خارج شدند. همچنین، از بین متغیرهای وارد شده به تحلیل در رگرسیون سازگاری زناشویی، متغیر تعهد زناشویی با بتای $0/833$ بیشترین سهم و صمیمیت زناشویی با بتای $0/165$ کمترین سهم را در پیش‌بینی سازگاری زناشویی دارند، متغیرهای شغلی و دانش و نگرش جنسی به دلیل عدم قدرت پیش‌بینی از مدل خارج شدند.

جهت پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از دو آزمون جداگانه تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، به روش گام‌به‌گام استفاده شد. اولین پرسشی که در این پژوهش مطرح شد این بود که آیا متغیرهای شغلی، میزان درآمد، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی می‌توانند رضایت جنسی و سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند؟ همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، نتایج رگرسیون گام‌به‌گام رضایت جنسی از روی متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی بیانگر آن است که تنها صمیمیت زناشویی و دانش و نگرش جنسی قابلیت پیش‌بینی میزان رضایت جنسی کارمندان را دارد ($p < 0/0001$)، همچنین تنها تعهد و صمیمیت زناشویی قابلیت پیش‌بینی میزان سازگاری زناشویی کارمندان را دارد ($p < 0/0001$).

دومین پرسش پژوهش این بود که کدام‌یک از متغیرهای میزان درآمد، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی قدرت

جدول ۵

رگرسیون رضایت جنسی و سازگاری زناشویی از روی متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی

مدل	Beta	R	R ²	R ² تعدیل شده	ΔR ²	ΔF
رضایت جنسی	صمیمیت زناشویی	0/777***	0/603	0/598	0/603	132/12***
	صمیمیت زناشویی	0/58***	0/119	0/663	0/663	17/59***
	دانش و نگرش جنسی	0/32***	0/851	0/714	0/714	16/40***
سازگاری زناشویی	صمیمیت زناشویی	0/61***	0/933	0/869	0/869	584/91***
	دانش و نگرش جنسی	0/31***	0/942	0/888	0/888	13/09***
	تعهد زناشویی	0/18***				
	صمیمیت زناشویی	0/165***				

بحث

منتفی می‌کند. این نتایج را می‌توان با توجه به تاثیر احتمالی متغیرهای دیگر مانند کیفیت رابطه جنسی و زناشویی، میزان صمیمیت بین زوجین و دانش و نگرش جنسی زوجین تبیین کرد. این احتمال وجود دارد که رابطه جنسی و زناشویی مطلوب، صمیمیت بالا، دانش جنسی بالا و نگرش مثبت نسبت به مسائل جنسی توانسته‌اند با تاثیرات مثبت بر رابطه زناشویی کارمندان، خلاءهای مربوط به متغیرهای شغلی را جبران کنند و سبب شوند که کارمندان اقماری و غیراقماری از نظر سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی تفاوتی با

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی بود. نتایج نشان داد که سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی در بین کارمندان اقماری و غیراقماری تفاوت معنادار ندارد. فقدان یافته‌های پژوهشی در خصوص تفاوت یا تشابه کارمندان اقماری و غیر اقماری برحسب متغیرهای پژوهش امکان مقایسه نتایج را

عوارض ناشی از کار متناوب مانند خستگی، واماندگی، کسالت، انزوا، اختلالات عصبی و روانی، بیماری‌های جسمی، کم‌خوابی، به هم خوردن ریتم شبانه‌روزی و امثال این‌ها را به‌تنهایی تجربه می‌کنند، درحالی‌که اگر طی دوران کار متناوب در کنار خانواده‌هایشان حضور داشتند این عوارض می‌توانست تاثیر منفی بسیاری بر زندگی زناشویی آنها داشته باشد. احتمالاً اقماری بودن کارمندان متناوب سبب شده است که اثر نوبت کاری بر رضایت جنسی و سازگاری زناشویی کارمندان خنثی شود و در نتیجه تفاوت معنادار بین سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی کارمندان روزکار و متناوب دیده نشود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه معنادار بین میزان درآمد و رضایت جنسی و سازگاری زناشویی کارمندان وجود ندارد. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین (ابنوا-اکو، ۲۰۱۱؛ اولسون، ۲۰۱۱؛ پرون و ورتینگتون، ۲۰۰۱؛ چونگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ گلسون، آک و بوزکورت، ۲۰۰۹؛ لیکن بروک، اکاس و ویتمن، ۲۰۱۱؛ ویرجینیا و همکاران، ۲۰۰۰) ناهمسو است. با توجه به درآمد ۴/۵ میلیون تومانی کارمندان در پژوهش حاضر، می‌توان گفت که این دسته از کارمندان در جامعه امروز ایران از نظر اقتصادی جز طبقه مرفه محسوب می‌شوند. درحالی‌که بررسی تحقیقات قبلی که رابطه بین میزان درآمد و رضایت جنسی و سازگاری زناشویی را مطالعه کرده‌اند، نشان می‌دهد که زمانی این رابطه معنادار است که افرادی که باهم مقایسه می‌شوند از نظر میزان درآمد در طبقات اقتصادی مختلف قرار داشته باشند. درحالی‌که در پژوهش حاضر چنین اختلاف طبقه‌ای از نظر اقتصادی بین افراد وجود نداشت و به نظر می‌رسد دلیل ناهمسویی نتایج پژوهش با پژوهش‌های پیشین در همین امر نهفته باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین تعهد زناشویی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد؛ به این شکل که هرچه تعهد زناشویی بیشتر شود، رضایت جنسی و سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین (اسپرچر، ۲۰۰۲؛ پدرسن و بلکسان، ۲۰۰۳؛ تریاس و گیسن، ۲۰۰۰؛ تیلگمن- اورسیون و کول، ۲۰۰۸؛ چونگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ دیمپا، ۲۰۱۰؛ کریستوفر و اسپرچر، ۲۰۰۴؛ کلمنتس و سونسن، ۲۰۰۰؛ لیکن بروک و همکاران، ۲۰۱۱؛

یکدیگر نداشته باشند. همچنین در تبیین عدم وجود تفاوت معنادار بین کارمندان اقماری و غیراقماری شرکت نفت از نظر سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی، می‌توان به نقش روانشناسان در محل کار کارمندان اقماری اشاره کرد. هم‌اکنون در شرکت نفت به‌منظور ارتقا سلامت روانی کارکنان اقماری اقدامات ویژه‌ای همچون ارائه خدمات مشاوره و روانشناسی انجام می‌شود و مشاوران و روانشناسان در مناطق عملیاتی به‌صورت دایم حضور دارند. از طرف دیگر شرکت نفت اقدام به عقد قرارداد با مراکز مشاوره معتبر در شهرهای مختلف کرده است تا خانواده‌های کارمندان اقماری را تحت پوشش قرار دهد. در نتیجه اگر کارمندان اقماری و خانواده‌های آنان دچار مشکلات روانی و زناشویی شوند، مشاوران و روان‌شناسان در مناطق عملیاتی و در مراکز مشاوره‌ای در شهرهای مختلف، پاسخگوی نیازهای آنان خواهند بود. از دیگر اقداماتی که برای مقابله با فشار روانی کارکنان اقماری در مناطق عملیاتی صورت می‌گیرد می‌توان به این موارد اشاره کرد: آموزش‌های ویژه در زمینه بهبود روابط بین فردی در محیط کار، آموزش مهارت‌های زندگی، سنجش سلامت روانی کارکنان به‌صورت دوره‌ای و برگزاری دوره‌های آموزشی در ارتباط با زندگی زناشویی و مهارت‌های فرزند پروری. به نظر می‌رسد اقدامات انجام شده از سوی شرکت نفت در بهبود سلامت روانی و زندگی زناشویی کارمندان اقماری موثر واقع شده است به‌طوری‌که طبق نتایج حاصل از پژوهش حاضر تفاوت معناداری از نظر رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بین کارمندان اقماری و غیراقماری دیده نمی‌شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی با نوبت کاری کارمندان رابطه معنادار ندارد. این یافته با نتایج نسبتاً مرتبط (پرون و ورتینگتون، ۲۰۰۱) ناهمسو است. لازم به ذکر است که کارمندان روزکار در این پژوهش همگی جز کارمندان غیراقماری هستند، درحالی‌که کارمندان متناوب همگی جز کارمندان اقماری هستند. در نتیجه در تبیین عدم وجود تفاوت معنادار بین کارمندان روزکار و متناوب از نظر سطح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی می‌توان به این نکته اشاره کرد که کارمندان متناوب از آنجایی که اقماری هستند در دوران کار متناوب خود در جزایر به سر برده و از خانواده‌های خود دور هستند، بنابراین

همکاران، ۱۳۹۴؛ ریمن و همکاران، ۲۰۱۱). زوجینی که در نتیجه صمیمیت اقدام به خودآشکارسازی جنسی می‌کنند، شریک زندگی خود را از نیازها، تمایلات، خواسته‌ها و ترجیحات جنسی خود آگاه کرده و بدین وسیله فرصت ارضای آن را برای همسر خود فراهم می‌کنند. درحالی‌که در نبود صمیمیت، این قبیل مسایل هرگز ابراز نشده و زمینه برای نارضایتی جنسی و پیدایش مشکلات جنسی فراهم می‌شود (بشارت، ۱۳۹۱؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۴)؛ از طرف دیگر خودآشکارسازی غیرجنسی که می‌تواند در مورد مسایلی از قبیل احساسات، آرزوها، ترس‌ها، نگرانی‌ها، باورها، اعتقادات مذهبی، تجارب فردی، سرگرمی‌ها، تفریحات و امثال اینها صورت گیرد، سبب می‌شود زوجین با جنبه‌های مختلف شخصیت یکدیگر آشنا شوند و در نتیجه این شناخت، احساس نزدیکی و اتحاد بیشتری با یکدیگر داشته باشند. ثمره این احساس نزدیکی، سازگاری بیشتر در زندگی زناشویی و تلاش برای حفظ و تداوم این رابطه خواهد بود.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین دانش و نگرش جنسی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد، به این شکل که هر چه دانش جنسی بیشتر و نگرش جنسی مثبت‌تر باشد، رضایت جنسی و سازگاری زناشویی نیز بیشتر خواهد بود. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین (استفنسون و متسون، ۲۰۱۰؛ بارون و بیرن، ۲۰۰۴؛ بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲؛ ترودل، ۲۰۰۲؛ لو، ما، چان و هی، ۲۰۰۹؛ متسون و آهرولد، ۲۰۱۰؛ نورانی پور و همکاران، ۱۳۸۶؛ هیگینز و همکاران، ۲۰۱۰) همسو است. در تبیین همبستگی مثبت بین دانش و نگرش جنسی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی می‌توان گفت که دانش جنسی بالا و نگرش جنسی مثبت پیامدهایی به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش رفتارهای جنسی سالم، منظم بودن و انسجام داشتن برنامه روابط جنسی، افزایش توانایی‌های مقابله‌ای^۲ در برخورد با اختلالات جنسی، افزایش آگاهی نسبت به نیازهای همسر و افزایش درک نسبت به توانایی‌ها و ناتوانی‌های همسر اشاره کرد (استیوارت، ۲۰۰۱). در نتیجه رفتارهای جنسی سالم، منظم بودن و انسجام داشتن برنامه روابط جنسی و افزایش توانایی‌های مقابله‌ای در برخورد با اختلالات جنسی، رضایت

لیو، ۲۰۰۳؛ مسترز، ۲۰۰۸؛ موسکو، ۲۰۰۹؛ وارهیم و بس، ۲۰۰۸) همسو است. در ایران نیز شاه سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸)، نشان دادند که بین تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه معنادار وجود دارد. کاهش تعهد بین زوجین باعث بروز اختلالات جنسی و در نتیجه کاهش رضایت جنسی زوجین می‌شود. در تبیین همبستگی مثبت بین تعهد زناشویی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی می‌توان گفت که مردان در زندگی زناشویی کیفیت رابطه جنسی‌شان را به‌عنوان معیاری برای ارزیابی رضایت از رابطه، میزان عشق و تعهد در نظر می‌گیرند (اسپرچر، ۲۰۰۲). در نتیجه به هر میزان که از رابطه جنسی خود رضایت بیشتری داشته باشند، از رابطه زناشویی خود نیز راضی‌تر بوده و عشق و تعهد بیشتری را تجربه می‌کنند.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین صمیمیت زناشویی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد؛ به این شکل که هر چه صمیمیت زناشویی بیشتر باشد، رضایت جنسی و سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین (بایرز، ۲۰۰۵؛ بشارت، ۱۳۹۱؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۴؛ بیرنه- پورتر و لیدون، ۲۰۱۳؛ چونگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ دافی، وتن، لومادو و کامستاک، ۲۰۰۴؛ روبین و کمپل، ۲۰۱۲؛ ریمن، رلینی و فالیس، ۲۰۱۱؛ گدس، جاکوبسن، مکگری، ساور، لیبر و همکاران، ۲۰۰۹؛ لیو و رولوف، ۲۰۱۵؛ مک کارتی، ۲۰۰۳؛ هنینگ، اوکیف، رندال، کومر، بیکر و همکاران، ۲۰۰۷؛ هیمن، لانگ، اسمیت، فیشر، سند و همکاران، ۲۰۱۱) که آنها نیز به رابطه صمیمیت زناشویی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی اشاره کرده‌اند، همسو است. بطلانی و همکاران (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که زوج‌درمانی از طریق بهبود ارتباطات، افزایش صمیمیت و رضایت از رابطه می‌تواند به‌طور معنادار رضایت جنسی را افزایش دهد. در تبیین همبستگی مثبت صمیمیت با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی می‌توان گفت که یکی از مولفه‌های اصلی صمیمیت خودآشکارسازی^۱ است. هرچقدر صمیمیت بین زوجین بیشتر باشد خودآشکارسازی نیز بیشتر صورت می‌گیرد که این خودآشکارسازی می‌تواند در مورد مسایل جنسی یا غیرجنسی باشد (بشارت، ۱۳۹۱؛ بشارت و

بیشترین سهم را در پیش‌بینی رضایت جنسی و تعهد زناشویی بیشترین سهم را در پیش‌بینی سازگاری زناشویی داشتند. در مورد نقش تعیین‌کننده تعهد در پیش‌بینی سازگاری زناشویی در تبیین پرسش اول بحث شد. مساله‌ای که در اینجا نیاز به تبیین دارد این است که چرا از بین صمیمیت و دانش و نگرش جنسی سهم صمیمیت در پیش‌بینی رضایت جنسی بیشتر است. داشتن دانش جنسی بالا و نگرش جنسی مثبت در مقایسه با رابطه صمیمی با همسر سهم کمتری در رضایت جنسی ایفا می‌کند چراکه اگر فردی از نظر دانش و نگرش جنسی در سطح بالایی باشد ولی رابطه زناشویی فاقد صمیمیت داشته باشد، مسلماً رضایت جنسی کمتری را نسبت به فردی که رابطه صمیمی با همسرش دارد، تجربه خواهد کرد. از طرف دیگر دانش و نگرش جنسی مفهوم شناختی^۱ است که فرد به صورت ذهنی و عقلی آن را تجربه می‌کند درحالی‌که صمیمیت تجربه هیجانی^۲ است که عواطف فرد به شدت در آن درگیر می‌شود. در نتیجه دور از انتظار نیست که قدرت صمیمیت در پیش‌بینی رضایت جنسی بیش از دانش و نگرش جنسی باشد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس اشاره کرد که تعمیم نتایج به جامعه و روایی بیرونی پژوهش را با محدودیت مواجه می‌سازد. گروه نمونه در این پژوهش صرفاً شامل کارمندان اقماری جزیره لاوان و منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی (عسلویه) بودند و امکان دسترسی به کارمندان اقماری سایر مناطق عملیاتی وجود نداشت. در نتیجه تعمیم نتایج به جامعه با محدودیت روبرو است. استفاده از طرح همبستگی در پژوهش حاضر امکان تفسیرهای علت شناختی از نتایج را با محدودیت مواجه می‌سازد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی و از کارمندان اقماری کلیه مناطق عملیاتی استفاده شود تا امکان تعمیم بیشتر نتایج فراهم گردد. توصیه می‌شود در پژوهش‌های آینده، رابطه سایر متغیرهای روان‌شناختی از جمله اعتماد به نفس جنسی، چگونگی مهارت برقراری ارتباط زوجین، ویژگی‌های شخصیتی و عوامل خانوادگی با رضایت جنسی و سازگاری

جنسی زوجین تامین خواهد شد. از طرف دیگر آگاهی داشتن نسبت به نیازهای همسر و درک توانایی‌ها و ناتوانی‌های او نیز می‌تواند به سازگاری زناشویی هرچه بیشتر در زوجین منجر شود.

در پاسخ به پرسش اول پژوهش که آیا متغیرهای درآمد، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی می‌توانند رضایت جنسی و سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند، نتایج حاصل نشان داد که از بین متغیرهای بررسی شده، صمیمیت زناشویی و دانش و نگرش جنسی قابلیت پیش‌بینی میزان رضایت جنسی کارمندان را دارند. در مورد سازگاری زناشویی نیز نتایج نشان داد که تعهد و صمیمیت زناشویی می‌توانند میزان سازگاری زناشویی کارمندان را پیش‌بینی کنند و سایر متغیرها این قابلیت را ندارند. در مورد نقش هر یک از متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی در پیش‌بینی رضایت جنسی و سازگاری زناشویی پیش‌تر بحث شد. مساله‌ای که در این پرسش نیاز به تبیین دارد این است که چرا تعهد زناشویی قابلیت پیش‌بینی رضایت جنسی را ندارد، درحالی‌که می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. طبق نظریه تعهد زناشویی، افراد متعهد افرادی هستند که مشکلات زناشویی را قابل حل می‌دانند و اعتقاد دارند با تلاش می‌توانند مشکلات را از پیش رو بردارند (استنلی، رودس و ویتون، ۲۰۱۰). در مقابل، افرادی که تعهد کمتری به زندگی زناشویی خود دارند مشکلات را کمتر قابل حل می‌دانند و احتمال بیشتری دارد که ازدواجی را که با مشکل مواجه شده است، ترک کنند (آماتو و دیویر، ۲۰۰۱). از طرف دیگر محققان سازگاری زناشویی را به صورت ظرفیت سازگار شدن با مشکلات و توانایی حل آنها تعریف می‌کنند (ماداتیل و بنسهوف، ۲۰۰۸). در نتیجه، افراد متعهد و سازگار، مشکلات زناشویی خود را قابل حل می‌دانند و تلاش می‌کنند تا آنها را برطرف کرده و زندگی زناشویی خود را از این طریق حفظ کنند و تداوم بخشند. بنابراین، با توجه به ارتباط تنگاتنگ تعهد و سازگاری زناشویی، دور از انتظار نیست که تعهد بتواند سازگاری زناشویی را به خوبی پیش‌بینی کند.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش مبنی بر این که کدام یک از متغیرهای درآمد، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی قدرت بیشتری در پیش‌بینی رضایت جنسی و سازگاری زناشویی دارند، نتایج نشان داد که صمیمیت زناشویی

1. cognitive
2. emotional

به‌منظور تامین سلامت روانی و بهبود زندگی زناشویی کارمندان از مشاوران و روان‌شناسان کمک گیرند.

زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر این، با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌ها و مراکزی که کارمندان آنها در شرایط سخت کاری به سر می‌برند،

بشارت، م. ع.، دهقانی، س.، و تولاییان، ف. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱، ۱۸-۳.

بشارت، م. ع.، و رنجبر کلاگری، ا. (۱۳۹۲). ساخت و اعتباریابی مقیاس دانش و نگرش جنسی. *روانشناسی معاصر*، ۱۶، ۳۲-۲۱.

بشارت، م. ع.، هوشمند، ن.، رضازاده، م. ر.، و لواسانی، م. (۱۳۹۴). نقش تعدیل‌کننده ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در رابطه بین سبک‌های فرزند پروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان. *روانشناسی خانواده*، ۳، ۲۸-۱۵.

دلاور، ع. (۱۳۹۱). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: نشر ویرایش.

شاه‌سیاه، م.، بهرامی، ف.، و محبی، س. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. *اصول بهداشت روانی*، ۴۳، ۲۳۸-۲۳۳.

نورانی‌پور، ر.، بشارت، م. ع.، و یوسفی، ا. (۱۳۸۶). بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۲۴، ۳۹-۲۷.

منابع

بشارت، م. ع. (۱۳۸۰). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان-سنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک - راست. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.

بشارت، م. ع. (۱۳۸۱). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان-سنجی پرسشنامه وضعیت جنسی گلوبک - راست. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.

بشارت، م. ع. (۱۳۸۴). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دانش و نگرش جنسی. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.

بشارت، م. ع. (۱۳۸۸). پایایی و روایی فرم ۲۸ سؤالی مقیاس سلامت روانی در جمعیت ایرانی. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۵۴، ۹۱-۸۷.

بشارت، م. ع. (۱۳۹۱). رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در نمونه‌ای از زوجین ایرانی: نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی. *مشاوره کاربردی*، ۲، ۱۸-۱.

بشارت، م. ع.، حسین زاده بازرگانی، ر.، و میرزمانی، م. (۱۳۸۲). مشکلات جنسی زوجین نابارور. *دو فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، ۲، ۱۳-۸.

References

- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 1177-1196
- Amato, P. R., & Deboer, D. D. (2001). The transmission of marital instability across generations: Relationship skills or commitment to marriage? *Journal of Marriage and Family*, 63, 1038-1051.
- Amoto, P. R. (2004). Studying marital interaction and commitment with survey data. *Journal of Marriage and Family*, 23, 53-70.
- Arriaga X., & Agnew C. (2001). Being committed: Affective, cognitive, and conative components of relationship commitment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 11-90.
- Bachrach, C., Hindin, M., & Thomson, E. (2000). The changing shape of ties that bind: An overview and synthesis. In L. J. Waite, C. Bachrach, M. Hindin, E. Thomson, & A. Thornton (Eds.), *The ties that bind: Perspectives on marriage and cohabitation* (pp. 3-16). Hawthorne, NY: Aldine De Gruyter.
- Baron, R. A., & Byrne, D. E. (2004). *Social psychology* (10th ed). USA: Pearson.

- Be, D., Whisman, M. A., & Uebelacker, L. A. (2013). Prospective associations between marital adjustment and life satisfaction. *Personal Relationships, 20*, 728-739.
- Berscheid, E., Attridge, M., & Sprecher, S. (1998). Dependency and insecurity in romantic relationships: development and validation of two companion scale. *Personal Relationships, 5*, 31-58.
- Besharat, M. A., Naghshineh, N., Ganji, P., & Tavalaeayan, F. (2014). The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia and fear of intimacy with marital satisfaction. *International Journal of Psychological Studies, 6*, 106-117.
- Birnie-Porter, C., & Lydon, J. E. (2013). A prototype approach to understanding sexual intimacy through its relationship to intimacy. *Personal Relationships, 20*, 236-258.
- Botlani, S., Shahsiah, M., Padash, Z., Ahmadi, A., & Bahrami, F. (2012). The effect of attachment-based couple therapy on couples' attachment style, sexual intimacy and sexual satisfaction. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, 3*, 375-390.
- Buote, V. M., Wood, E., & Pratt, M. (2009). Exploring similarities and differences between online and offline friendships: The role of attachment style. *Computers in Human Behavior, 25*, 560-567.
- Butzer, B., & Campbell, L. (2008). Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples. *Personal Relationships, 15*, 141-154.
- Byers, E. S. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: a longitudinal study of individuals in long-term relationships. *Journal of Sex Research, 42*, 113-118.
- Byrd, S. E. (2009). The social construction of marital commitment. *Journal of Marriage and Family, 71*, 318-336.
- Cheung, M. W. L., Wong, P. W. C., Liu, K. Y., Yip, P. S. F., Fan, S. Y., & Lam, T. (2008). A study of sexual satisfaction and frequency of sex among Hong Kong Chinese couples. *Journal of Sex Research, 45*, 129-139.
- Christopher, F. S., & Sprecher, S. (2004). Sexuality in marriage, dating, and other relationships: A decade review. *Journal of Marriage and Family, 62*, 999-1017.
- Clements, R., & Swenson, C. H. (2000). Commitment to one's spouse as a predictor of marital quality among older couples. *Current Psychology, 19*, 110-120.
- Crawford, M., & Rhoda, U. (2004). *Women and gender: A feminist psychology*. 4th edition. New York, NY, USA: McGraw-Hill.
- Dimkpa, D. I. (2010). Marital adjustment roles of couples practicing child adoption. *European Journal of Social Sciences, 13*, 194-200
- Duffey, T. H., Wooten, H. R., Lumadue, C. A., & Comstock, D. C. (2004). The effects of dream sharing on marital intimacy and satisfaction. *Journal of Couple & Relationship Therapy, 3*, 53-68.
- Ebenuwa-Okoh, E. E. (2011). Gender and age as moderators of the relationship between environmental variables and marital adjustment among married couples. *Educational Research, 2*, 745-751.
- Frost, D. M. (2012). The narrative construction of intimacy and affect in relationship stories: Implications for relationship quality, stability, and mental health. *Journal of Social and Personal Relationships, 30*, 247-269.
- Gades, N. M., Jacobson, D. J., McGree, M. E., Sauver, J. L., Lieber, M. M., Nehra, A., et al. (2009). Longitudinal evaluation of sexual function in a male cohort: The olmsted county study of urinary symptoms and health status among men. *Journal of Sexual Medicine, 6*, 2455-2466.
- Golombok, S., & Rust, J. (1986). *The Golombok Rust Inventory of Sexual State Questionnaire*. London: Nefer-Nelson.
- Gulsun, M., Ak, M., & Bozkurt, A. (2009). Marriage and sexuality from a psychiatric point of view. *Current Approaches in Psychiatry, 1*, 68-79.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Social Behavior and Personality, 33*, 313-328.
- Haning, R. V. (2005). *Intimacy, orgasm likelihood of both partners, conflict, and partner response predict sexual satisfaction in heterosexual male and female respondents*. Huntington, WV: Marshall University Press.
- Haning, R. V., O'Keefe, S. L., Randall, E. J., Kommor, M. J., Baker, E., & Wilson, R. (2007). Intimacy, orgasm likelihood, and conflict predict sexual satisfaction in heterosexual male and female respondents. *Journal of Sex & Marital Therapy, 33*, 93-113.

- Heady, B., Veenhoven, R., & Wearing, A. (1991). Topdown versus bottom-up theories of subjective wellbeing. *Social Indicators Research, 24*, 81-100.
- Heiman, J. R., Long, J. S., Smith, S. N., Fisher, W. A., Sand, M. S., & Rosen, R. C. (2011). Sexual satisfaction and relationship happiness in midlife and older couples in five countries. *Archives of Sexual Behavior, 40*, 741-753.
- Heydarie, A., Ehtesham Zadeh, P., & Vazir Nia, F. (2011). The comparison between motherhood depression, couples' intimacy and satisfaction in both working and non-working (housewife) mothers. *Journal of American Science, 7*, 330-335.
- Higgins, J. A., Trussell, J., Moore, N. B., & Davidson, J. K. (2010). Virginity lost, satisfaction gained? Physiological and psychological sexual satisfaction at heterosexual debut. *Journal of Sex Research, 47*, 384-394.
- Hui, S. A., Lindsey, C. R., & Elliott, T. R. (2007). Church attendance and marital commitment beliefs of undergraduate women. *Journal of Applied Social Psychology, 37*, 501-514.
- Johanson, S. M. (2003). The revolution of couple therapy. *Journal of Marital and Family Therapy, 29*, 348-365.
- Khanjani Veshki, S., Botlani, S., Shahsiah, M., & Sharifi, E. (2012). The effect of sex education on marital quality improvement in couples of Qom. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, 7*, 134-147.
- Lau, Y. K., Ma, J. L. C., Chan, Y. K., & He, L. P. (2009). Commuting assignments in Mainland China: Cost and benefits of cross-border work arrangements. *China Journal of Social Work, 2*, 52-65.
- Lawrance, K., & Byers, E. S. (1995). Sexual satisfaction in long-term heterosexual relationships: The interpersonal exchange model of sexual satisfaction. *Personal Relationship, 2*, 267-285.
- Lickenbrock, D. M., Ekas, N. V., & Whitman, T. L. (2011). Feeling good, feeling bad: Influences of maternal perceptions of the child and marital adjustment on well-being in mothers of children with an autism spectrum disorder. *Journal of Autism & Developmental Disorders, 41*, 848-858.
- Litzinger, S., & Gordon, K. C. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy, 31*, 409-424.
- Liu, C. (2003). Does quality of marital sex decline with duration? *Journal of Sexual Behavior, 32*, 55-60.
- Liu, E., & Roloff, M. E. (2015). To avoid or not to avoid: When emotions overflow. *Communication Research Reports, 32*, 332-339.
- Madathil, J., & Benschhoff, J. M. (2008). Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A comparison of Asian Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice. *Family Journal, 16*, 222-230.
- Manyam, S. B., & Junior, V. Y. (2014). Marital adjustment trend in Asian Indian families. *Journal of Couple & Relationship Therapy, 13*, 114-132.
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics, 11*, 614-628.
- McCarthy, B. W. (2003). Marital sex as it ought to be. *Journal of Family Psychotherapy, 14*, 1-12.
- Meston, C., & Ahrold, T. (2010). Ethnic, gender, and acculturation. Influences on sexual behaviors. *Archives of Sexual Behavior, 39*, 179-189.
- Mosko, J. (2009). *Commitment and attachment dimensions*. In partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy. Purdue University, Indiana.
- Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L. R. (2005). Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of Counseling and Development, 83*, 183-190.
- O'Fallon, J. B., Tsui, A., & Adewuyi, A. (2003). Social and proximate determinants of sexual activity in rural Nigeria. *Journal of Biosocial Science, 35*, 585-599.
- Olson, D. (2011). Faces iv and the circumplex model: Validation study. *Journal of Marital and Family Therapy, 37*, 64-80.
- Pedersen, W., & Blekesaune, M. (2003). Sexual satisfaction in young adulthood: Cohabitation, committed dating or unattached life? *Acta Sociologica, 46*, 179-193.

- Perrone, K. M., & Worthington, E. L. (2001). Factors influencing ratings of marital quality by individuals within dual-career marriages: A conceptual model. *Journal of Counseling Psychology, 48*, 3-9.
- Reiman, U.S., Rellini, A.H., & Fallis, E. (2011). The importance of sexual self-disclosure to sexual satisfaction and functioning in committed relationships. *Journal of Sexual Medicine, 8*, 3108-3115.
- Rubin, H., & Campbell, L. (2012). Day-to-day changes in intimacy predict heightened relationship passion, sexual occurrence, and sexual satisfaction: A dyadic diary analysis. *Social Psychological & Personality Science, 3*, 224-231.
- Rust, J., Bennun, I., Crow, M., & Golombok, S. (1986). The Golombok-Rust inventory of marital state questionnaire. *Sexual and Marital Therapy, 1*, 55-60.
- Ryff, C. D., & Singer, B. (2000). Interpersonal flourishing: A positive health agenda for the new millennium. *Personality and Social Psychology Review, 4*, 30-44.
- Sprecher, S. (2002). Sexual satisfaction in premarital relationships: Associations with satisfaction, love, commitment, and stability. *The Journal of Sex Research, 39*, 190-196.
- Sprecher, S., & Cate, R. (2004). Sexual satisfaction and sexual expression as predictors of relationship satisfaction and stability. In J. H. Harvey, A. Wenzel, & S. Sprecher (Eds.), *The handbook of sexuality in close relationships* (pp. 235-256). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Stanley, S. M., Rhoades, G. K., & Whitton, S. W. (2010). Commitment and the securing of romantic attachment. *Journal of Family Theory & Review, 2*, 243-257.
- Stephenson, K. R., & Meston, C. M. (2010). Differentiating components of sexual well being in women: Are sexual satisfaction and sexual distress independent constructs? *The Journal of Sexual Medicine, 7*, 2458-2468.
- Stewart, J. D. (2001). *Sex and sexuality: Encyclopedia of the Quran*. Brill Academic Publishers.
- Stulhofer, A., Ferreira, L. C., & Landripet, I. (2014). Emotional intimacy, sexual desire, and sexual satisfaction among partnered heterosexual men. *Sexual and Relationship Therapy, 29*, 229-244.
- Tilghman-Osborne, C., & Cole, D. A. (2008). Relation of guilt, shame, behavioral and character logical self blame to depressive symptoms in adolescents over time. *Guilford Publications, 27*, 809-842.
- Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of Marriage and the Family, 62*, 48-60.
- Trudel, G. (2002). Sexuality and marital life: Results of a survey. *Journal of Sex & Marital Therapy, 28*, 229-249.
- Umberson, D. K., Williams, D. A., Powers, M. D., & Campbell, A. M. (2005). As good as it gets? A life course perspective on marital quality. *Social Forces, 84*, 493-511.
- Vandenbos, G. R. (2007). *The APA Dictionary of Psychology*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Virginia, D. R., James, C. M., & David, K. R. (2000). Communication and divisionmaking styles, power base usage, and satisfaction in marital dyads. *Journal of Marriage and the Family, 62*, 120-141.
- Walker, A. J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and the Family, 45*, 841-849.
- Warehime, M. N., & Bass, L. E. (2008). Breaking singles up: Sexual satisfaction among men and women. *International Journal of Sexual Health, 20*, 247-261.